



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۰۶

رفعت حسینی

## اقتفا و استقبال نمودن در شعر پارسی

در تاریخ سخنوری بزبان پارسی، شیوه هایی را بکار گرفته اند که اگر نام آنرا با آزادی کامل حقوقی، نتوان سرقت ادبی گذاشت مگر تشابه و همخونی های بی شماری با کیسه بری ادبی دارد.  
مثال:

یک وقتی امیر خسرو دهلوی غزلی نبشته بود بامطلع ساقیا! می ده که ابری خاست از خاور سفید  
آنگاه این غزل در سالیان بعدی [ گئل کرد ] و در ایران و هرات مورد توجه شاعران قرار گرفت  
و شعرای فراوانی از کیفیت و تصویرسازی ها و بدایع ادبی امیر خسرو در ارائه این غزل، « کیسه بری ها » کردند.

مگر نام این کیسه بری ادبی را برای بازی دادن <خلق الله> ، { { اقتفا و استقبال } } گذاشته اند.  
وقتی در نویسندگی و شعر، سخنوران زبان پارسی قادر به ایجادگری نباشند، روی به تقلید و پیروی (استقبال/اقتفا) می آورند.

این روش ناشایسته و غیر ادبی در ادبیات سرزمین های مدنی و السنه متمدن و برتر دنیا (آلمانی/ روسی/فرانسوی/ انگلیسی/ هسپانوی) هیچگاه وجود نداشته است.

در هرات این کیسه بریها آنقدر شایع شد که یک شاعر هراتی که شغل منشیگری نیز داشت ( فخری هروی) کتابی نگاشت بنام < تحفة الحبيب > و در آن غزلهایی را که به نام استقبال و اقتفا از غزل امیر خسرو، در واقع از سوی کیسه بران شاعر دزدی شده بود، نشان می داد. فخری با این گونه شعرها و محافل آشنایی داشت و شاید انگیزه اش از تدوین چنین مجموعه ای، رفت و آمد در چنین مجالسی بوده است. اینگونه مجموعه ها در دوره های بعد هم تألیف می شدند. به طور مثال در دوره بازگشت ادبی هم ادبا به چنین کتابهایی روی خوش نشان می دادند.  
در ایران و تاجیکستان و در کابل و هرات که شاعرانش متأثر از حافظ و بیدل بودند، کتابهایی مسمی به ردایف الاشعار بوجود آمدند.

و تا امروزه روز، غزل های زیادی بردیف ها و قوافی ها و اوزان غزلهای بیدل، جلال الدین رومی، حافظ و سه چهاردیگر، باصطلاح استقبال و اقتفا و در واقع واژه ها و مفاهیم یک شعریا غزل از سوی شاعران دیگر [ فوتوکاپی! ] و در واقع بتاراج می رود.  
پیدا شدن من یک نمونه تازه از استقبال و اقتفا در پایین آمده است:

در سایت افغان جرمن آنلاين امروز (پنجم اکتوبر ۲۰۲۰) غزلی خواندم از بانو صوفیه ابراهیمی

:

صوفیه ابراهیمی

۲۰۲۰/۱۰/۰۴

ای وطن!

عاقبت ای خاک جانبخش وطن، می سازمت  
گر هزاران ره شوی ویرانه، من می سازمت  
گاه بیلیم در کف و گاهی قلم، یعنی که من  
با قلم یا بیل، ای خاک کهن، می سازمت  
آب اگر سفیانیان عصر بستندم به روی  
من به آب اشک چشم خویشتن، می سازمت  
من قوی بازویم و با آبرو و کارگر  
با غبار صورت و خون بدن، میسازمت  
خصم گر همچون شهیدان پیکرم در گور کرد  
من برون از گور گشته، با کفن، می سازمت

..

این غزل بانوی عزیز و خجسته، بی بی صوفیه جان، افتفا و استقبال، بشیوه عیاران خراسان  
بزرگ، از این غزل داکترسمیع حامد (سر مشاور!!!! یا مشاور ارشد!!!! اشرف غنی خان  
صاحب) می باشد.

سمیع حامد

گر جهنم ساختم فردوس هم می سازمت  
ای وطن می سازمت آخر خودم می سازمت  
آن قدرهایی که می گویند تنبل نیستم  
با تفنگت گر شکستم با قلم می سازمت  
آیینه در آیینه در رهگذار عاطفه  
سنگ اندر سنگ در راه ستم می سازمت  
هر که آمد بر سرت بم ریخت اما غم مخور  
من از آهن پاره های سرخ بم می سازمت  
غم مخور ای خانه ویران مگر زیبایی من  
با نفس های امیدم دم به دم می سازمت  
تا تو زیباتر شوی گل می شوم گل می شوم  
باورم کن یک رقم نی یک رقم می سازمت

...

ردیف و قافیه هر دو غزل تفاوتی هر چند اندکی دارند.

////

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ